



گزارشی از مراسم "روز جهانی زن" که توسط "اتحاد زنان آزادیخواه" در تورنتو برگزار شد.

گزارش دهنده: دنا عباسیان

در روز شنبه 8 مارس 2008 که قرار بود مراسمی به مناسبت صدمین سالگرد روز جهانی زن توسط "اتحاد زنان آزادیخواه" در تورنتو برگزار شود، با طوفان بی سابقه‌ای در تورنتو روبرو شدیم. مرتبًا از طریق رادیو و تلویزیون از مردم خواسته میشد که جز در موارد بسیار ضروری از رفت و آمد در شهر خودداری کنند و در خانه هایشان بمانند. اغلب خیابانهای فرعی شهر با پیه‌های برف پوشیده شده و تمام کتابخانه‌های شهر و اکثر مراکز خرید تعطیل شده بودند. از اولین ساعت آن روز خیابانها پر از برف و خالی از اتومبیل و عابر پیاده بودند. من فکر میکرم که "اتحاد زنان آزادیخواه" مراسم روز زن را کنسل کرده است. اما از آنجا که نزدیک به محل برگزاری برنامه زندگی میکنم، تصمیم گرفتم که سری به آنجا بزنم. و در کمال تعجب دیدم که نه تنها برنامه کنسل نشده بلکه جمعیت زیادی هم آمده اند. برخی از تماشاچیان میگفتند که از راه دور آمده اند و برای اینکه به موقع برستند از 2 ساعت پیش حرکت کرده اند. یکی از خانم‌های برگزار کننده میگفت که امروز صبح به چند تا از دوستانش که خارج از تورنتو زندگی میکنند تلفن زده و با اصرار از آنها می‌خواسته که نیایند و میگفته که فکر نکنند که او به عنوان برگزار کننده از نیامدن آنها ناراحت می‌شود. اما آنها گفته بودند که سنگ هم از آسمان ببارد، خواهند آمد. برخی دیگر از تماشاچیان، مثل من برای آشنا شدن با نظرات "اتحاد زنان آزادیخواه" که یک نشکل دمکراتیک جدید زنان است، به این برنامه آمده ایم. وقتی که برنامه شروع شد، بیش از 50 نفر در سالن حضور داشتند که مرتبًا به تعداد آنها افزوده میشد. در اواسط برنامه 78 نفر در سالن حضور داشتند.

سالن مراسم را با آرم و شعارهای "اتحاد زنان آزادیخواه" و دیگر پوسترهاز زیبایی که مبارزات زنان ایران و دیگر کشورهای جهان را به تصویر کشانده بودند، تزئین کرده بودند. میز انتشارات "اتحاد زنان آزادیخواه" با حدود 20 مقاله و متن سخنرانی در رابطه با مسائل متنوع مطرح در جنیش زنان پوشیده شده بود. از شانس خوب دانشجوی فقیری مثل من، اعلام شد که تمام انتشارات مجانی هستند.

صدmin سالگرد روز جهانی زن با پخش یک کلیپ زیبا و سرود انترناسیونال آغاز شد و همه تماشاچیان و حتی خانمهایی که می‌شناسمندان و میدانم که مارکسیست نیستند، با احترام از جا برخاستند. ترکیب متنوعی از

تماشاچیان با دیدگاه های مختلف در سالن وجود داشتند. و همه در آخر برنامه از برگزارکنندگان تشکر کرده و میگفتند که مراسم بسیار خوب و پرباری بود. و من نیز این را تصدیق میکنم.



مجرى برنامه ضمن خوشامدگویی، در بخشی از سخنان خود به معرفی "اتحاد زنان آزادیخواه" پرداخت و گفت:
 "... ما (اتحاد زنان آزادیخواه) دست همه زنانی که برای پایان بخشیدن به ظلم و ستمی که علیه زنان کشور ما اعمال می شود، مبارزه می کنند را می فشاریم. ما خود را همراه و در کنار کسانی میدانیم که برای نابود کردن شالوده های نظام اجتماعی ای که نابرابری زن و مرد و فرهنگ مردسالاری و انواع ظلم و ستم بر زن را بازسازی میکند، مبارزه می کنند. اتحاد زنان آزادیخواه، جنبش زنان را بخشی از مبارزه انقلابی و دمکراتیک در جهت سرنگونی رژیم ارتجاعی موجود و سیستم سرمایه داری حاکم و سلطه امپریالیسم بر ایران میداند و معتقد است که شرط پیروزی و پیشروی جنبش زنان اتحاد آن با سایر جنبشهای اجتماعی میباشد. این تشکل ظرفی است جهت اتحاد تمامی زنان انقلابی که علیرغم تقاؤت نظری سیاسی، در ارتباط با جنبش زنان از نظرات رادیکال و واقعاً انقلابی پیروی میکنند. تشکل "اتحاد زنان آزادیخواه" تمام زنان آزادیخواهی را که خواهان پیشبرد مبارزه برای تحقق خواستهای عادلانه و برق زنان در راستای مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برافکنند ریشه اصلی تمامی دردها و محرومیتها و نابرابری های کنونی، یعنی نظام سرمایه داری وابسته به امیریالیسم حاکم بر ایران هستند دعوت به اتحاد و همکاری میکند...".

بعد از پخش ویدئو کلیپهای جالب و بسیار دیدنی در رابطه با جنبش زنان در جهان، گروه موسیقی بسیار مجری که از 4 زن متولد لهستان و روسیه تشکیل شده بود، به نواختن آهنگهای کلاسیک چندین کشور مختلف منجمله ایران پرداختند. یک جوان ایرانی هنرمند نیز با نواختن ضرب با آنها همکاری میکرد.

به قول خانمی که کنار من نشسته بود، این موسیقی زیبا تمام خستگی و سرما را از بدنمان خارج کرد. بعد از موسیقی کلاسیک، یکی از اعضای "اتحاد زنان آزادیخواه" به نام سهیلا، در رابطه با تاریخچه هشت مارس و جنبش زنان در ایران سخنرانی کرد. او در بخشی از سخنانش گفت که: "... در سال 1910 زنان کمونیست، مشخصاً کلارا زتکین که یک زن کمونیست آلمانی بود، پیشنهاد کرد که روز هشت مارس به عنوان روز جهانی زن نامگذاری شود. زیرا که روز هشت مارس یادآور مبارزات زنان کارگر نیوپورک و سمبل مقاومتها و مبارزات زنان کارگر علیه سیستم سرمایه داری است که ستمی مضاعف را بر زنان کارگر تحمل میکند. روز جهانی زن سمبل مبارزه زنان کارگر برای درهم شکستن زنجیرهای بردگی است که در جامعه طبقاتی وجود دارد.... اما ما می بینیم که رژیم و رفرمیستها و دشمنان مردم و آنها که فریب سرمایه داری را می خورند، می خواهند هشت مارس را که سمبل مبارزات زنان کارگر با سیستم سرمایه داری و مبارزه برای درهم شکستن سیستم طبقاتی است، را به یک روز فمنیستی و رفرمیستی تبدیل کنند.... اینها تلاشهایی است برای کاهش دادن شدت ضربه مبارزات زنان کارگر و تحت ستم کشورمان علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، انجام میشود. اینها تلاشهایی است برای منحرف کردن و به مسیر رفرمیسم کشاندن مبارزات زنان زحمتکش کشورمان، و تلاشهایی است علیه مبارزات زنان زحمتکش با رژیمی که بوجود آوردنده همه ستمها و نابرابریهای موجود میباشد... امروز زنان کشور ما روز جهانی زن را در شرایطی جشن میگیرند که بیش از 29 سال است که رژیم جمهوری اسلامی ارجاعی ترین مقررات مذهبی زن سنتیز را از اعماق تاریخ درآورده و به قوانین رسمی کشور تبدیل کرده است.... رژیم جمهوری اسلامی از اولین روز به قدرت رسیدنش مثل هر رژیم دیکتاتور دیگری، همه تلاشش این بود که با

محکم کردن زنجیرهای اسارت زنان، کل جامعه را در اسارت خودش نگه دارد. سالهای است که به بهانه حجاب زن و دخترهای مردم را در کوچه و خیابان شکار کرده و به زندان و شکنجه می‌کشاند... در دهه شصت تحت پوشش مقررات مذهبی به دختران جوان و مبارز قبیل از اعدام تجاوز کردند.... و بدین طریق سلطه شوم این رژیم در جامعه ما گسترده شده است.... اما با این حال شاهدیم که زنان کشور ما هیچوقت عقب نشینی نکردند و از همان روز اول مقاومت کردند، مبارزه کردند با این جنایتهای رژیم. و امروز شاهدیم که جنبش زنان رشد کرده، میلیونی شده و به یکی از پایه ای ترین جنبشهای توده ای تبدیل شده... اما دشمن مردم هم بیکار ننشسته و تلاش میکنه که جنبش زنان را به گرداب رفرمیسم بیاندازد و آن را وادار کند که در رفرمیسم درجا بزند. رژیم از یکطرف کوچکترین اعتراض مردم را با زندان و شکنجه و اعدام پاسخ میدهد و از طرف دیگر دست زنان رفرمیست و زنانی را که متعلق به بخشی از جناح های اصلاح طلب رژیم هستند باز میگذارد که فعالیت سیاسی کنند و برخی نیز به اصطلاح کمپین یک میلیون امضاء راه بیاندازند. به کسانی فضای فعالیت سیاسی میدهد که خواهان سرنگونی رژیم نیستند و نمی خواهند که این سیستم را در هم بشکنند، و هدفشان این است که انرژی مبارزاتی زنان کشور ما را به کانالهای کم خطر بکشانند و از شدت ضربه به رژیم کم کنند..."

نظر اتنی که سهیلا بیان کرد، خیلی برای من جالب و جدید بودند. من در این مدت تحقیقات متوجه شده ام که تمام گروه های زنان ایرانی به شکلی تحت تأثیر یکی از شاخه های مختلف فمنیسم قرار دارند. زنان ایرانی ای که استاد دانشگاه تورنتو و بورک هستند نیز به تبلیغ و اشاعه "مارکسیسم فمنیسم" در میان گروه های زنان ایرانی می پردازند. اما بر اساس گفتگویی که با سهیلا داشتم، متوجه شدم که او معتقد است که: "همه انواع فمنیسم، هر چند که در ظاهر و اسم و یا برخی از آنها تا حدی در محتوى با هم تفاوت داشته باشند، همه آنها علت ستمدیدگی زن را ناشی از قدرت طلبی مرد می دانند و درنتیجه هدف استراتژیک آنها مبارزه با مردسالاری میباشد و نه نابودی مالکیت خصوصی (و نظام سرمایه داری) که بوجود آورنده و حافظ مردسالاری و ستم بر زن است. و هیچکدام از فمنیستها، حتی آنها که خود را مارکسیست فمنیست میدانند، دید طبقاتی نداشته و درنتیجه قادر نیستند که علل ستمدیدگی زنان و راه حل های آن را توضیح دهند و فقط راه های غیرواقعی و تخیلات خود را به عنوان راه حل ستم بر زنان، ارائه میدهند..."



پس از سخنرانی سهیلا، خانم "رحیمه توخی" به عنوان شاعر مبارز افغانستان و عضو "اتحاد زنان آزادیخواه" به روی صحنه آمد و شعر بسیار زیبایی را که خود سروده بود، خواند. بعد از مراسم، سهیلا کتاب شعر خانم توخی را همراه با متن این شعر به من هدیه داد و پیشنهاد کرد که هر وقت فرصت پیدا کردم، آن را برای "اتحاد زنان آزادیخواه" به انگلیسی ترجمه کنم.

ای زن ! ای مولود پیچیده در کفن
پایت از زنجیر برده برقن
تنت رها ساز از گود جمره و سنگ
برخیز از تابوت تاریک و تنگ
اکنون دگر تو آن زن پارینه نیستی
که با امر بنشستی و با نهی برخاستی

بنگر به زنان که بر فضا پا گذاشتند
چون اختران، شب هنگام ستاره کاشتند
همچون خورشید درخشان زیستند
در توانمندی کمتر ز مردان نیستند
اکنون دگر تو آن زن پارینه نیستی
که با امر بنشستی و با نهی برخاستی

در پشت حمل می کرد پشتاره جفا
در بتن می پروانید قهرمان ها
احمد زاده و فیض احمد و مجید و بهمن ها
یاده قانی ها و ملالی ها و مینا ها (*)
- همگی نامور شدند ز فیض نام تو -
اکنون دگر تو آن زن پارینه نیستی
که با امر بنشستی و با نهی برخاستی

ز درماندگی دست زنی به خود سوزی
بهر چه کفن نابودی بر تن دوزی
باش در تجسس راه نجات و پیروزی
مکن با زندگی خویش اینچنین بازی
اکنون دگر تو آن زن پارینه نیستی
که با امر بنشستی و با نهی برخاستی

خود کشی نیست راه نجات و پیروزی
این نباشد شیگتردی که با آن نازی
آهنگ مرگ با انگشتان خویش نوازی
تا کی با اینهمه نا هنجری ها سازی
اکنون دگر تو آن زن پارینه نیستی
که با امر بنشستی و با نهی برخاستی

با خیزش و نبرد ، خویش را آزاد کنیم
یک جنبش مبارزاتی بنیاد کنیم
با سعی و تلاش انجمنی ایجاد کنیم
پیهم و مکرر این سخن فریاد کنیم
- راه نجات زن بود جنگ و ستیز و نبرد -

که بعد آن ، دگر تو آن زن پارینه نیستی
با اختیارت بنشینی و با اراده ات بر خیزی



پس از شعرخوانی "رجیمه" کلیپی پخش شد که در آن دختران افغانی شعری را به نام "من یک زن" می خوانند. در آن کلیپ گفته شد که شعر سروده "مرضیه اسکویی" است. اما مجری برنامه گفت که سراینده آن "غزال آیتی" می باشد. وقتی که این مسئله را از سهیلا پرسیدم، او گفت که از آنجا که مرضیه و غزال و دیگر زنان چریک فدائی خلق در دوران دیکتاتوری شاه زندگی چریکی و مخفی داشتند، اغلب اینطور مسائل پیش میامد که بعد از شهادت یک چریک مبارز که شاعر و یا نویسنده بود، آثارش به نام یکی دیگر از رفقای شهیدش منتشر میشد. اما اخیراً یکی از رفقا و همزم های مرضیه و غزال که هنوز زنده است، در رابطه با این شعر صحبت کرده و این اشتباه را تصحیح کرده و گفته است که شاعر واقعی این شعر (شعر "افتخار") چریک فدائی خلق، شهید غزال آیتی میباشد.

"من یک زن
من از ویرانه های دور شرق
زنی که از آغاز با پای بر هن
عطش تند زمین را در پی قطره ای آب در نور دیده است
زنی که از آغاز با پای بر هن
همراه با گاو لاغرش در خرمنگاه
از طلوع تا غروب
از شام تا بام، سنگینی رنج را لمس کرده است

من یک زن
از ایلات آواره‌ی دشتها و کوه‌ها
زنی که کودکش را در کوه به دنیا می‌آورد
و بزش را در پهنه دشت از دست می‌دهد

و به عزا می نشیند
من مادرم
من خواهرم
من همسری صادقم
من یک زنم

زنی از ده کوره های مرده‌ی جنوب
زنی که از آغاز با پای بر هنر
سراسر این خاک تب کرده را
در نور دیده است

من از روستاهای کوچک شمال
زنی که از آغاز در شالیزارها و مزارع
تا نهایت توان گام زده است

من یک زنم
کارگری که دستهایش
ماشین عظیم کارخانه را
به حرکت در می آورد
هر روز تواناییش را
دندانه های چرخ ریز ریز می کند
پیش چشمانش

زنی که از عصاره جانش
پروارتر می شود لشه خوانخوار
از تباہی خونش
افزونتر می شود سود سرمایه دار

رنی که مرادف مفهومش
در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما
وجود ندارد
دستهایش سفید
قامتش ظریف
که پوستش لطیف
و گیسوانش عطرآگین باشد

من یک زنم
با دستهایی که از تیغ تیز درد و رنجها
زخمها دارد
زنی که قامتش از نهایت بیشتر می شما
در زیر کار توانفرسا
آسان شکسته است

زنی که در سینه اش
دلی آکنده از زخم‌های چرکین خشم است
زنی که در چشمانش
انعکاس گلرنگ گلوه های آزادی
موج می زند

من یک زنم
زنی که مرادف مفهومش
در هیچ جای فرهنگ ننگ آلد شما
وجود ندارد

زنی که پوستش
آبینه‌ی آفتاب کویر است
و گیسوانش بوی دود میدهد
تمام قامت من
نقش رنج و
پیکرم تجسم کینه است
زنی که دستانش را کار
برای سلاح پرورده است.

من زنی آزاده ام
زنی که از آغاز
پا به پای رفیق و برادرم
دشتها را درنوردیده است
زنی که پرورده است
بازوی نیرومند کارگر
دستان نیرومند بزرگر
من خود کارگر
من خود بزرگر"

یکی دیگر از هنرمندان مهمان در این مراسم، گیتاریست و خواننده جوانی به نام بابک بود که چند تا از آهنگها و سروده‌های خود و همچنین سرود "آفتابکاران جنگل" را اجرا کرد.

در وقت استراحتی که برای صرف چای و شیرینی و شام داده شد، دو دختر جوان نوازنده را دیدم که در حالیکه اشک شوق در چشمهایشان بود با مجری مراسم و سهیلا صحبت میکردند و میگفتند: "ما متولد روسیه هستیم و خیلی خوشحالیم که به جشن شما آمدیم و برای شما موسیقی کشورمان را اجرا کردیم. وقتی که آن کلیپ را با آهنگ انترناسیونال پخش کردید که صحنه هایی از انقلاب ما را نشان میداد و عکسهایی از زنان کارگر و زحمتکش کشورمان را، خیلی هیجان زده شدیم...."

من هم مثل آن دو دختر روس، خوشحالم که در این مراسم بسیار منظم و متنوع و زیبا برگزار شد و من به عنوان دختر جوانی که بعد از انقلاب دنیا آمده و اطلاعات بسیار ناقصی از مبارزین کشوم دارم، بسیار خوشحالم که در این مراسم شرکت کردم و با یکی از انقلابی ترین دیدگاه ها در جنبش زنان آشنا شدم.

تورنتو- 11 مارچ 2008